

سر سخت و کم بخت

بنانا یوشیموتو

ترجمه:

البرز قریب

سرشناسه: بنانا یوشیموتو، ۱۹۶۴ - م. Yoshimoto, Banana

عنوان و نام پدیدآور: سر سخت و کم پخت / برگردان البرز قریب.

مشخصات نشر: تهران، حرفه نویسنده، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۱۲۵ ص.

شابک: ۷-۰۰۰-۶۴۴۵-۶۰۰-۹۷۸

یادداشت: متن اصلی کتاب حاضر به زبان ژاپنی بوده و کتاب از زبان انگلیسی تحت عنوان

Hardboiled Hard Luck به فارسی ترجمه شده است.

موضوع: داستان‌های ژاپنی - قرن ۲۰م

شناسه افزوده: قریب، البرز، ۱۳۶۱ - مترجم

رده بندی انگیزه: ۴۱۳۹/۵/۱۸۶۶/۱

رده بندی دیویی: ۸۹۵/۶۳۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۲۴۹۲۴



حرفه نویسنده

نشانی: تهران صندوق پستی: ۱۸۹۵-۱۶۳۱۵

تلفن: ۲۲۸۲۵۱۷۰

طراح: گرافیک: الهام قبه‌نی | چاپ و نشر نظر

چاپ اول: ۱۳۹۰ | شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

همه حقوق این کتاب محفوظ است | شابک: ۷-۰۰۰-۶۴۴۵-۶۰۰-۹۷۸

یادداشت مترجم

سرسخت ۱۳

معبد ۱۵

هتل ۲۵

یک خواب ۳۰

میهمان ۳۸

اتاق ناتمامی ۶۴

خوابی دیگر ۷۱

نور صبح ۷۶

کم بخت ۷۹

نوامیر ۸۱

ستاره ها ۱۰۶

موسیقی ۱۱۴

بنانا یوشیموتو به سال ۱۹۶۴ متولد شد. پدر او از شاعران و نویسندگان معروف ژاپن است. او ظاهراً به دلیل علاقه‌ی خاصش به میوه‌ی موز، نام خود را از ماه‌گوبه بنانا تغییر داده است. جلوه و آمیزه‌ی طنز و هولناکی رویدادهای داستان‌ها، شب‌خی از دنیای نوشتاری کافکا و موراگامی را بر آن‌ها می‌اندازد. او نویسنده‌ی آشپزخانه، ان پی، مارمولک، آرمیتا، به خواب رفته و خدا حافظ مسوکومی است. داستان‌ها و رمان‌های تحسین شده‌ی او، جوایز متعددی به دست آورده‌اند. رمان‌های او تأثیری ماندگار و خلسه‌آور دارند. غم، حسرت گذشته و گذر اندوه‌بار عمر، عناصر کلیدی زیبایی‌شناسی ژاپنی و هم‌چنین زمینه‌های اصلی داستان‌های یوشیموتو هستند.

یادداشت مترجم

در لحظات ترجمه‌ی این اثر، خود من به مثابه مخاطبی بودم که برای اولین بار با این متن مواجه می‌شوم. بارها بغض گلویم را فشرد، ترسیدم، خشمگین شدم... به نظر من علت گیرایی این اثر شغافیت آن‌هاست. صراحت بی‌بدیلی که آن چنان مخفی‌ترین حالات درونی انسان را به تصویر می‌کشد که گویی نه نویسنده‌ای در میان است و نه نوشته‌ای و نه روایت‌گری. گویی روزی در مقابل پدیده‌ای قرار گرفته بوده‌ای و حالا خود را از یادداشت‌های روزانه‌ات باز می‌خوانی. یوشیموتو فارغ از جغرافیای داستان‌هایش، که در ژاپن می‌گذرند، خاستگاه شرقی خود را به‌وضوح در آثارش نمایان می‌کند. ترکیبی از این فضاها، غبارآلود و مرمر شرقی و زندگی امروزی کلان‌شهری، این معجون اعجاب‌انگیز را پدید می‌آورد. من و تو به‌عنوان مخاطبین شرقی این اثر، به خوبی با پیچیدگی و رمزآلودگی‌های درون‌انسان‌های این داستان‌ها آشنا می‌شویم.

در عین حال، جریان پیش‌برنده‌ی داستان چیزی فراتر از شخصیت و حالات درونی صرف است. در مواجهه با موقعیت‌های عجیب، روابط نامتعارف و پدیده‌های نادر، در هر انسان معمولی، که شخصیت‌های این داستان هم از آنها مستثنی نیستند، حالات و واکنش‌هایی خاص پدید می‌آید. موقعیت محوری‌ای که یوشیموتو در آن راویان هر دو داستان‌ش را به چالش می‌کشد، مواجهه با مرگ است، زودگذری عمر. در هر دو داستان بیش‌تر به آن‌چه در پیرامون مرگ است، اعم از احساسات و

واکنش‌ها و حالات، پرداخته شده است تا خود مرگ.

در حقیقت یوشیموتو شهود شخصی خود را در قالب این دو داستان بیان می‌کند: "نه خود مرگ بلکه غرق شدن در این عواطف است که غم‌انگیز است." توصیفات نویسنده از فضاها، حالات و شخصیت‌ها آن قدر دقیق است که می‌توان تجربه‌ای دقیق و کامل از آن‌ها داشت، اما این نوع وصف اصلاً شباهتی به اوصاف رومن رولان یا مارسل پروست ندارد. در شیوه‌ی این دو، لحظاتی وجود دارد که انگار زمان می‌ایستد، تمام موجودات و اشیاء و حتا ذرات هوا ساکن می‌مانند تا نویسنده توصیفاتش را از فضای، شینی یا موجودی، بیان کند و بعد دوباره همه چیز به حرکت می‌افتد، اما در نوع نگارش یوشیموتو، همان پویایی کل داستان، در لحظاتی هم که جایی، شخصیتی یا حالتی توضیح داده می‌شود، وجود دارد و تو تمام آن اوصاف را به سرعت قبل و بعدشان می‌خوانی و می‌روی.

سعی کرده‌ام تا در حد بضاعت خود به بیان غریزی و صریح متن وفادار مانده و حتی الامکان از لغات و اصطلاحات پیچیده و بیان پرطمطراق پرهیز کنم. امیدوارم که ترجمه‌ی فارسی این اثر هم مثل ترجمه‌ی انگلیسی آن، روان و گیرا باشد.

البرز قریب

بهار ۱۳۹۰